

آینده جامعه حسابداران رسمی ایران

اعضای شرکت کننده در میزگرد

محمد جواد صفار دبیر کل جامعه حسابداران رسمی ایران
دکتر احمد مدرس معاون آموزش و تحقیقات جامعه
مهربان پرویز شریک مؤسسه حسابرسی عضو جامعه
احمد عبایی کویایی عضو هیات عالی انتظامی جامعه
مصطفی علی مدد عضو هیات عالی انتظامی جامعه

بدانیم که حسابدار رسمی کیست و هدف از تشکیل جامعه چیست؟ می‌دانیم جامعه حسابداران رسمی ایران بر اساس ماده واحده شکل گرفت. در اساسنامه مصوب هم هدف از تشکیل جامعه مشخص شده است و در اساسنامه پیشنهادی هم همان اهداف به شکلی کاملتر مطرح شده است. خواهش می‌کنم بفرمائید با توجه به اهدافی که در اساسنامه هست یا باید باشد کدام بخش از اهداف جامعه مورد تاکید بیشتری است؟

علی مدد

حسابدار رسمی باید چند ویژگی داشته باشد. یکی از آنها تخصص است. حسابدار رسمی باید در این رشته از دانش، متخصص باشد. دوم این که تجربه داشته باشد یعنی به همراه تخصص خود تجربه کسب کرده باشد. سوم این که حسابدار رسمی، کسی است که در برابر عامه مردم مسئولیت می‌پذیرد و این

دکتر مدرس



با تشکر از حضور صمیمانه شما، قرار شد تا با برگزاری میزگردی، نظرات برخی اعضای جامعه درباره وضعیت گذشته، فعلی و آینده جامعه حسابداران رسمی ایران برای انعکاس در فصلنامه حسابدار رسمی را جویا شویم. اکنون سه سال از تشکیل جامعه گذشته و مهم است بدانیم، چه سابقه‌ای داشته‌ایم و تاکنون چه کرده‌ایم، اجازه می‌خواهم اولین سوال را مطرح کنم. شاید ابتدا لازم باشد



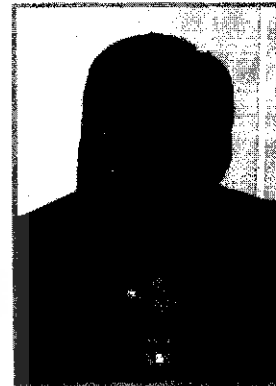
مسئولیت را تقبل می‌کند اگر فردی این سه ویژگی را داشته باشد در صورتی حسابدار رسمی است که عضو یک تشکل حرفه‌ای هم باشد که مهمترین عنصر آن تشکل، اخلاق حرفه‌ای است. اگر کسی آن سه ویژگی را داشته باشد ولی در تشکل یا نهاد حرفه‌ای دارای اخلاق حرفه‌ای عضو نباشد باز هم حسابدار رسمی نمی‌شود. آنچه یک جامعه حرفه‌ای را از سایر جوامع جدا می‌کند اخلاق حرفه‌ای آن است.

علی مدد:

آنچه یک جامعه حرفه‌ای را از سایر جوامع جدا می‌کند اخلاق حرفه‌ای آن است

همانطور که در ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح آمده، اعمال نظارت بر واحدهای اقتصادی بالنسبه بزرگ، از طریق صورتهای مالی است که آنها را قابل اعتماد می‌کند. رسیدگی اعتماد بخش صورتهای مالی باید از طریق افرادی انجام شود که حسابدار رسمی نامیده می‌شوند. حسابدار رسمی باید تجربه و تخصص داشته باشد و اخلاق حرفه‌ای را رعایت کند. برای اجرای درست امور و اعنلای حرفه، باید تشکلی باشد تا بتواند بر کار اعضا نظارت داشته باشد. بنابراین، یک تشکل حرفه‌ای مثل جامعه حسابداران رسمی ایران ضروری است.

پرویز:



فرمایشات آقای علی مدد را اینطور ادامه می‌دهم که حسابدار رسمی کسی است که عضو جامعه حسابداران رسمی باشد. این تعاریف باید در مورد اعضای جامعه حسابداران رسمی مصداق داشته باشد، چون در آیین نامه‌ها و اساسنامه این تعاریف هست. حال اگر در کسی احیاناً به دلایل خاص، این شرایط جمع نشده باشد باید آن را بررسی کرد. اعضای جامعه حسابداران رسمی باید دارای این شرایط باشند و اگر عضوی واجد این شرایط نباشد طبیعتاً نباید در این جامعه جایی داشته باشد.

دکتر مهران:

کدام یک از هدفها از همه مهمتر است و آیا مواردی وجود دارد که در هدفهای جامعه گنجانده نشده است؟

علی مدد:

اگر به من اجازه دهید هدفهای قانون و هدفهای جامعه را جدا کنم. هدفهای قانون چیست؟ هدفهای جامعه چیست؟

پرویز:

ابهام بنده نیز در اینجا بود چون اهداف در قانون و اساسنامه تعریف شده است. ولی ظاهراً سوال در مورد اهدافی است که فکر می‌کنم در ذهن ما است.

علی مدد:

من گمان می‌کنم نباید انتظار داشته باشیم که

قانونگذاران بیایند و ما را هدفمند کنند.

قانونگذار در ماده واحده می گوید می خواهم از ابعاد مختلف برای دولت و عامه مردم مسئله نظارت مالی را مطرح کنم و برای این کار از یک عده استفاده می کنم. اگر متن ماده واحده را ببینیم قسمت بالای آن دقیقاً همین است و می خواهد این نظارت در جاهای مختلف انجام شود، یکی دیگر از چیزهایی که می خواهد مالیات است. قانونگذار می خواهد در گرفتن مالیات، نظارتی وجود داشته باشد که این مالیات درست وصول شود. قانونگذار دنبال ساز و کاری بوده تا عده ای دور هم جمع شوند، تربیت شوند، تشکیلی پیدا کنند و در آن، کارهای مورد نظرش را برایش انجام دهند. این هدف قانونگذار است و خیلی درست است. ما نباید از قانونگذار انتظار داشته باشیم که بگوید روابط درونی جامعه، چگونه باید باشد. قانونگذار باید بگوید عامه مردم چه نیازهایی دارند؟ و آنها را از چه راههایی می شود مرتفع کرد قانون نیز بر همین اساس تهیه شده است. در زمان تدوین قانون، قرار بود خصوصی سازی شود و به تبع آن، یکی از هدفهای اصلی قانونگذار این بود که حرفه حسابرسی به نیابت از طرف جامعه شرکتهای را رسیدگی کند و منافع سهامداران و عامه مردم که در بازار سرمایه می آیند به ترتیبی حفظ شود. قانونگذار دو هدف داشت:

۱) حفظ منافع عامه مردم از طریق وضع سیستم نظارتی و

۲) حفظ منافع عمومی دولت باز هم از طریق همان سیستم نظارتی.

لازمه آن قانون، این بود که جامعه حسابداران رسمی هم تشکیل شود. عده ای فکر می کنند که قانونگذار باید می آمد و ما را سامان می داد در صورتی که قانونگذار دلیلی برای انجام این کار به طور خاص نداشته است.

اهداف قانونی و اهداف درونی می تواند متمایز و اهداف درونی جامعه از اهداف قانونگذار وسیع تر باشد.

دکتر مدرس:

در مطالبی که انتشار پیدا می کند متأسفانه برخی به متن قانون توجه نمی کنند و می گویند جامعه تشکیل شد تا حسابداران بخش خصوصی بیایند و تمام کارها به آنان واگذار شود. در حالی که حفظ منافع عمومی مورد نظر بوده، نظارت دولت نیز ضروری است.

صغار:



صغار:

در انتخاب

راهکارها باید

توجه کرد که

مغایرتی با منافع

عموم نداشته

باشد

مسئله مهم این است که اساساً قانونگذار وقتی وارد موضوعی می شود که در آن منافع عامه مطرح باشد یعنی هیچ وقت نمی گوید حسابداران بیایند من برایتان قانون وضع کنم. در واقع تفاوت یک حرفه با یک صنف، این است که حرفه با منافع عمومی سرو کار دارد. از این رو، دارای مسئولیت اجتماعی می شود. مابدین شکل برای اصناف، قوانین محدود کننده ای نمی شناسیم. در زمان وجود اختلاف نظر بین حسابداران همواره باید این موضوع مطرح شود که هدف قانونگذار چه بوده است؟ به نظر من، حسابرسی مالیاتی، بخشی از منافع عمومی است و کل آن نیست و از این رو است که حسابرسی مالیاتی در قانون الزامی نیست ولی تسهیل کننده است. ولی وقتی در قانون گفته شده که شرکتهای بزرگ باید حسابرسی شود منظور واحدهایی است که با منافع عمومی سرو کار دارند. بنابراین، صحبتهای آقای علی مدد بجاست. جایی که قانون و

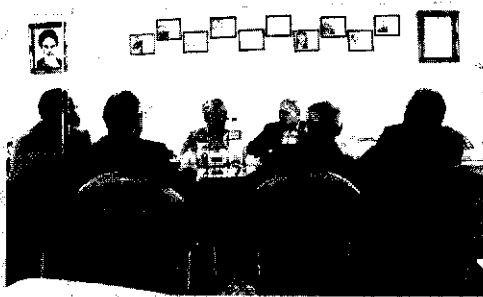
الزامات آن مطرح می شود دقیقاً آنجایی است که یک حرفه، صنف یا گروه یا تشکل با منافع عمومی ارتباط پیدا می کند. بنابراین حفظ منافع عمومی ملاکی است که وضعیت امروز ما را تعیین تکلیف می کند، ما نباید به سمتی پیش رویم که بگوییم اگر این کار را بکنیم به نفع اعضاست یا خیر؟ این معیار مناسب و جامعی نیست بلکه در انتخاب راهکارها باید توجه کرد که مغایرتی با منافع عموم نداشته باشد.

پروژه

این یک معیار در یک جامعه حرفه ای است که ممکن است در منافع صنفی جایگاهی نداشته باشد. ولی می توان در حدی معقول این را هم در اهداف یک جامعه مطرح کرد. نگرانیهایی در این مورد وجود دارد، اشخاصی که در یک جامعه با آن مشخصاتی که آقای علی مدد مطرح فرمودند یعنی تخصص، تجربه و اخلاق متشکل هستند باید به یک حداقلهایی از چیزهایی برسند که مورد نیازشان هست. حالا این سوال مطرح است یک جامعه حرفه ای می تواند وارد این محدوده هم بشود یا نه؟

علی مدد:

و اما، هدفهای جامعه چه می تواند باشد. اول باید بدانیم که یک جامعه حرفه ای، یک NGO (سازمان غیردولتی) است. یک دستگاه دولتی نیست. یک دستگاه خصوصی هم نیست. یک تشکل مدنی است که عده ای افراد حرفه ای در آن هستند. آنهایی در جامعه هستند که می توانند حسابدار رسمی باشند و اخلاق آن چیزی است که یک جامعه حرفه ای را از سایر سازمانهای غیردولتی جدا می کند. در صنف، معمولاً اخلاق حرفه ای نداریم. حرف تخصصی، شامل پزشکی، حقوق و حسابداری و... است. اخلاق، چیز مشترکی است که این جوامع حرفه ای دارند. اما آیا افرادی که در این جامعه حرفه ای دور هم جمع شده اند حق ندارند منافع خود را هم در نظر بگیرند؟ چرا این عده حرفه ای که دور هم جمع شده اند



باید با رعایت آیین رفتار حرفه ای، منافع جمع را ببینند. منافع این عده در داخل این تشکل به صورت مجموع است و ممکن است حفظ منافع جمعی خلاف منافع برخی از افرادی باشد که در درون حرفه هستند.

پروژه

یعنی بین دو گروه از اعضای درون جامعه، تضاد به وجود بیاید ولی اگر کل اعضای یک جامعه از یک شرایط مثبت برای رسیدن به منافع استفاده کنند مشکلی به وجود نمی آورد و می تواند جزو اهداف باشد.

علی توپیان:

یعنی منافع عموم اعضای جامعه باید تعریف شود که این منافع چه چیزهایی هستند و چگونه می تواند با منافع افراد جامعه در تضاد باشد.

پروژه

بحث اینجاست. هدف ممکن است ارتقای سطح باشد. در این صورت برای تحقق این هدف چه وظایفی داریم. برای مثال برای ارتقای سطح دانش حرفه ای، آموزش حرفه ای مستمر ضرورت دارد. حالا در این اهداف، بحث دیگری را مطرح می کنم و آن هم، بحث رفاه اشخاصی است که در این جامعه هستند. فرض بفرمایید اگر وظیفه پلیس این باشد که انتظامات جامعه را حفظ کند، اولین مسئله ای که به ذهن خطور می کند این است که پلیس باید در شرایطی قرار بگیرد که آسیب پذیر نباشد. طبیعاً آن دستگاهی که کارش هدایت پلیس است باید هدفی و وظیفه ای را هم برای خودش شناسایی کند. که من باید به نحوی

پروژه

اشکالی ندارد که رفاه اعضای یک جامعه حرفه ای به خصوص جامعه ای که وظیفه خطیری در اجتماع دارد جزو اهداف باشد

عمل کند که افراد زیر دست، از یک رفاه نسبی برخوردار باشند. به اعتقاد من، اشکالی ندارد که رفاه اعضای یک جامعه حرفه ای به خصوص جامعه ای که وظیفه خطیری در اجتماع دارد جزو اهداف باشد.

علی مدنی

رفاه اعضا باید جزو اهداف باشد زیرا عده ای دور هم جمع شده اند و مسلم است که می خواهند منافع جمعی خودشان را هم حفظ کنند.

عباسی کرمانی

البته باید بدانیم که چه چیزهایی را می خواهیم محفوظ نگه داریم چون ممکن است که من کار درستی انجام ندهم ولی از جامعه توقع داشته باشم که از من دفاع کند. این رفاه به هر جهت به اعضا بر می گردد و محدوده های آن باید مشخص شود.

علی مدنی

طبق قانون مشخصه های جامعه ای که تشکیل می شود عبارتند از:

- ۱- دارای استقلال است
- ۲- دارای شخصیت حقوقی جداگانه است
- ۳- غیردولتی است و غیرانتفاعی است. اینها را اگر جمع کنیم هدفها در این محدودیتها قابل تعریف است یعنی یک سری محدودیت داریم که با توجه به آنها هدف قابل تعریف است. لازم است بحث خصوصی و دولتی را هم مطرح کنم. اینجا غیردولتی به کار رفته است نگفته است خصوصی. یک سری نهاد مردمی هستند که اینها را نمی توان خصوصی در معنای متعارف دانست. درست است که مثلا در یک موسسه خیریه خصوصی عده ای دور هم جمع می شوند، اما با آن ذهنیتی که از خصوصی انتفاعی داریم سازگار نیست و اگر بخواهیم آن را خصوصی هم تلقی کنیم انتفاعی نیست، با صراحت قانون دولتی هم نیست. قانون صراحتاً می گوید جامعه، غیردولتی و غیرانتفاعی است. قانون می گوید جامعه دارای

استقلال و شخصیت حقوقی مستقل است، نهاد دولتی هم نیست.

بروز

اینجا خیلی از تکلیفها روشن می شود. ما باید اهداف را در این سه بخش تقسیم کنیم و من با آقای علی مدنی که می گویند جامعه یک نهاد عمومی است ولی خصوصی نیست موافقم، اهداف را می توان با این دیدگاه تعریف کرد. حال ببینیم اگر اولین هدف را استقلال در نظر بگیریم برای رسیدن به این استقلال چه مسائلی را باید تبیین کنیم. در رابطه با غیر دولتی بودن می توان گفت تا این حد غیردولتی هستیم که از بودجه دولت استفاده نمی کنیم.

علی مدنی

به نظر من، علاوه بر مشخص شدن هدفها، باید بحث شود که چگونه می توان به این اهداف رسید. اگر هدفهای جامعه با هدفهای قانون مقایسه و تبیین شود می توانیم بگوییم این هدفها باید تحقق پیدا کند یا تحقق پیدا کرده است. هدف جامعه با توجه به مستقل بودن جامعه، مستقل بودن شخصیت، غیر دولتی بودن و غیرانتفاعی بودن چه باید باشد؟ و آیا این اهداف در اساسنامه فعلی و پیشنهادی وجود دارد؟

صفار

یک نکته مهم این است که ما در سه مفهوم، بحث استقلال، غیردولتی بودن و غیر انتفاعی بودن جامعه توافق بیشتری داریم به خاطر این که جزو اساسنامه است. قبل از این یک موضوع مهمتر مطرح بود، آن هم بحث ارتباط جامعه با منافع اعضای آن است. به نظر می رسد که شبهه اتهامی که به جامعه زده می شود که بعضاً دولتی است یا به دولت تمایل دارد. به نظرم این امر ناشی از ورود قانون و بحث منافع عمومی باشد. در مقررات جامعه، مواردی وجود دارد که گفته شده است این موضوع را یک مقام یا سازمان دولتی هم تایید کند. به نظرم، این موضوع به دلیل منافع

صفار: یک نکته مهم این است که ما در سه مفهوم، بحث استقلال، غیردولتی بودن و غیر انتفاعی بودن جامعه توافق بیشتری داریم به خاطر این که جزو اساسنامه است

استاد علی مدد، بر اخلاق حرفه‌ای تاکید دارند. اخلاق حرفه‌ای را همه تایید می‌کنند ولی وقتی بحث منافع عامه است به نظرم، جایی خارج از ما نیز باید تاییدی بر آن داشته باشد. از جمله در مورد آیین رفتار حرفه‌ای، وزیر امور اقتصادی و دارایی آن را کم و زیاد نکرده، بلکه تنفیذ کرده است. تعبیر من این است که گفته شده شما چیزی را فراموش نکرده اید و چیز زیادی هم ننوشته اید.

بنابراین، بالاخره این انتقاد وجود دارد که ممکن است جایی از آن قابل دفاع نباشد ولی آنجایی که ما به سوی دولت گرایش داشته‌ایم به نظرم به دلیل بحث منافع عمومی بوده است و به ذهن من می‌رسد که کسی با این مفاهیم که در قانون است (استقلال، غیردولتی و غیرانتقاعی بودن) تضادی نداشته باشد بلکه آنجایی که بحث منافع عمومی و قانون بوده، الزام ارتباط درست وجود داشته است. در حال حاضر، مطلع هستید که در بحث آیین نامه انضباطی که قبلاً گفته شده بود وزرای دارایی و دادگستری تایید کنند، در اساسنامه پیشنهادی گفته شده است که تایید وزیر دارایی کافی است ولی از نظر خود جامعه بحث شده است که بهتر است وزیر دادگستری هم تایید کند. چون بحث انضباطی و تنبیهات است و به نظر می‌رسد که این ربطی به دولتی شدن جامعه ندارد و مربوط به منافع عمومی است. بنابر این، لازم است شبه نظارتی هم انجام گیرد. به هر حال، دولتی شدن چه مزیتی دارد که جامعه بیاید و دولتی شود. هیچ کس طرفدار دولتی بودن نیست و هیچکس به آن طرف نمی‌رود.

دکتر مدرس:

اجازه بفرمائید عملکرد جامعه را از نقاط ضعف و قوت آن مورد بحث قرار دهیم. بدیهی است اگر اهداف تبیین نشود ما معیار مقایسه‌ای نخواهیم داشت گفته شد هدف

قانون، تامین منافع عمومی است. ما در این رابطه، چه میزان کار کرده‌ایم یا منافع دولت چه هست و هدفهای جامعه چه می‌تواند باشد. علاوه بر هدفهای پیشگفته، دو هدفی که من به ذهنم می‌رسد بحث ارتقای سطح و رفاه اعضا است.

علی مدد:

به گمان من، ما برای این تشکیل شده‌ایم که خدماتی را عرضه کنیم. یک سری عضو داشته باشیم که خدمات مورد نظر قانونگذار را به نحو احسن عرضه کنند، مقرر است حسابدار باشیم و به مردم خدمات حسابداری بدهیم. من نمی‌گویم که قرار است فقط حسابرس باشیم. پس هدف جامعه این است افرادی که این خدمات را عرضه می‌کنند تحت نظم و انضباط باشند تا خدمات خود را بهتر عرضه کنند.

علی مدد:

هدف جامعه این است افرادی که این خدمات را عرضه می‌کنند تحت نظم و انضباط باشند تا خدمات خود را بهتر عرضه کنند

پرویز:

یعنی نظام ارائه خدمات، حالا می‌رسیم به تبیین یا نظام مند کردن نظام ارائه خدمات که می‌تواند یکی از اهداف باشد.

صفوان:

به اعتقاد من، در مورد مجموعه خدماتی که جامعه می‌تواند ارائه دهد تاکید قانون بر حسابرسی است. این تاکید مانع از گسترش نقش حسابداران عمومی نیست. به نظر می‌رسد که در آینده‌ای قابل پیش بینی مثلاً باید مدیران مالی شرکتهای بزرگ حتماً حسابدار رسمی باشند. اساتید حتماً باید، حسابدار رسمی باشند یعنی یک نوع نیاز برای فردای ما وجود دارد. به نظر من اگر یک سیستم درست حسابداری نداشته باشیم حسابرسی پشتوانه لازم را نخواهد داشت. یعنی حسابرسی بدون حسابداری بی معنی است. همانطور که فرض بر این است که حسابرسی داخلی وجود دارد و حسابرسی مستقل انجام می‌شود، نه اینکه حسابرسی داخلی نباشد بعد حسابدار مستقل بیاید کار

موضوع دیگر این است که ما باید با مدیران مالی شرکتها تعامل و زبان مشترک داشته باشیم که این مورد با هم حرفه بودن یا حداقل حرفه ای بودن بدست می آید. یعنی اگر به این مساله نرسیدیم که یک مدیر مالی شایسته باید حسابدار رسمی باشد آن وقت، آنان باید خودشان حتما یک تشکل داشته باشند که آنها هم تحت یک نظام باشند. وقتی حسابدار رسمی غیر شاغل وجود دارد باید مجموعه تحت نظر او، سیستم کنترل داخلی مناسبی داشته باشد در غیر این صورت، نوعی تخلف وجود دارد.

پروژه:

در جوامع دیگر، ما برای هر کدام از اینها، تشکل جدایی داریم. برای حسابدارهای مدیریت، برای حسابدارهای مالی، برای حسابرسی داخلی، که اینها لزوماً در تشکل جامعه حسابداران رسمی قرار نمی گیرند و آنها، برای خودشان ضوابط و اهداف جداگانه ای دارند. ولی من از فرمایش شما استفاده می کنم و این که بهترین هدفی که می توانیم تعریف کنیم بسط نظام حرفه ای در جامعه است. حالا تعاریف همان چیزهایی است که شما گفته اید می توانید این جمله را اصلاح کرده جمله بهتری بگذاریم. این درست است که جامعه را وادار کنیم که اشخاص حرفه ای را در جایگاه خودشان قرار دهد و اشخاصی که منصب دارند حتما افراد حرفه ای باشند و از یک نظام حرفه ای استفاده کنند مثل فرمایش شما که اگر یک مدیر مالی گفت سیستم من کار نمی کند تخلف کرده است اگر حسابرسی داخلی وظایفش را انجام نداد یک تخلف کرده است اگر اشخاصی که در جامعه هستند حرفه ای باشند (اینکه اینها می توانند به جامعه حسابداران رسمی وابسته باشند یا نه بحث دیگری است) و یکی از اهداف ما این باشد که این فرهنگ را در جامعه حاکم کنیم، امر خوبی

علی مدد:

من اگر نظر آقای پروز را خلاصه کنم، باید کاری کنیم که حسابداران حرفه ای در جایی متشکل باشند. من فکر می کنم نظام مند کردن ارائه خدمات حرفه ای مهم است. حال این موضوع مطرح می شود که چه چیزهایی خدمات حرفه ای است؟

پروز:

اینها در اساسنامه تعریف شده است. عیایی کویایی: ما بخواهیم یک تشکل حرفه ای ایجاد کنیم که همه افراد حرفه ای را در برگیرد. در این صورت شرایط و ضوابط مربوط تغییر خواهد کرد. قانون جامعه حسابداران رسمی باید تغییر کند، اساسنامه باید تغییر کند.

پروژه:

بهترین هدفی که می توانیم تعریف کنیم بسط نظام حرفه ای در جامعه است

علی مدد:

قانون ضرورتاً نه، البته ارائه خدماتی که قانون بحث می کند حسابرسی هست. ولی بقیه را منع نکرده است. باید توجه داشت که تعدادی حسابدار رسمی می شوند تعدادی هم باقی می مانند و در صنعت کار می کنند. آن چیزی که موقع نگارش اولیه قانون مطرح بود تدوین الزامات برای گروه اول است.

پروز:

ما در اساسنامه داریم که اعضای جامعه می توانند این خدمات را ارائه دهند. برای نمونه به خدمات مشاوره مالی، ارائه خدمات سیستم و اصلاح حساب اشاره شده است.

علی مدد:

قانون چیزی را از دید منافع عمومی خواسته است. برای مثال، گزارش حسابرسی مالیاتی.

عیایی کویایی:

به هر صورت، تعاریف قانون نیز باید تا حدی عوض شود.

علی مدد:

متن پیشنهادهای قانون را که می نوشتم مرحوم وطنی هم بودند. ایشان به کاربرد لغات

حقوقی اشراف کامل داشت. آقای رضا مستاجران و سایر همکاران دیگر بودند و آن موقع به همه این موارد توجه شد. یک فضایی بود و حالا شما در فضای سال ۱۳۶۹ چه چیزی را می‌توانید پیشنهاد کنید. مذاکرات مجلس را دارم که به عنوان نماینده دولت به کمیسیون رفتند و خلاف پیشنهاد دولت اظهار نظر کردند و نظرشان هم این بود یک جایی مثل امور پیمانکاران سازمان برنامه ایجاد کنند که وزارت دارایی صاحبکار کل شود. این قانون، خدمات را منحصر نکرده و خدمات دیگری را که می‌خواهید ارائه دهید قانون جلوگیری نکرده است.

پروژه:

الگویی که در جاهای دیگر است این که تشکل حرفه‌ای، تشکلهای وابسته هم دارد. بعضی وقتها فکر می‌شود که اینها چرا بوجود آمد بعد متوجه می‌شویم که اینها چقدر اهمیت داشته است. مثلاً در پنجاه سال پیش در جامعه‌ای مثل انگلیس می‌بینیم در کنار جامعه حرفه‌ای حسابداری، جامعه دیگری هم دارد به نام جامعه تکنسینهای حسابداری که هم یک تشکل هستند و هم وابسته به انجمن حسابداران رسمی آنجا هستند.

آن موقع نیاز آن جامعه این ضرورت را ایجاد می‌کرد که عده‌ای هم بتوانند در آن سطح کار کنند. بعد همان موقع فکر شد که اینها باید در یک تشکل حرفه‌ای کار بکنند. برای این که بتوانند منافع عموم را حفظ کنند باید خواه ناخواه تابع اخلاق حرفه‌ای باشند. الان نمی‌توان گفت که اینها را می‌توان در اهداف گذاشت یا نه. به نظر من این که آقای دکتر، بحث اهداف را مطرح کردند منظورشان این نیست که همان قانون را بیابیم و مطرح کنیم، منظور این است فردی که عضو جامعه و آدم حرفه‌ای است، چه اهدافی را می‌خواهد دنبال کند شاید اینها در قالب یک جامعه هم نتواند شکل بگیرد ولی وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که درباره تمام

اینها فکر شده و در جوامع دیگر کار شده است.

دکتر مدرس:

این بحث با آقای صفار هم مطرح بوده که برای حسابداران رسمی آینده چه برنامه‌ای داریم. اسم آنها حسابداران رسمی بالقوه گذاشته شد. هنوز خیلی جا نیفتاده ولی ارتباط دادن اینها به جامعه، جزو مسائلی هست که مهم است. به هر حال نیروهای موجود، زمانی باید جای خود را به آیندگان و انگذار نمایند. از جمله همین نسل جوان که در دانشگاه هستند این قسمت را در بخشهای آینده دنبال می‌کنیم. الان مشخص کردن دقیق این اهداف شاید خیلی راحت نباشد اگر وارد بحث نقاط قوت و ضعف بشویم شاید بتوان آنها را کنار هدفهایی گذاشت که مورد نظر آقایان می‌باشند.

دکتر مدرس:

در این سه ساله اقدامات مثبت زیادی انجام شده است. اگر فقط به ضعفها بپردازیم به همکاران و اعضای جامعه، ظلم می‌شود

اگر موافق باشید دو سوال مطرح کنم:
۱- هدفهایی که در ذهن آقایان هست در کوتاه مدت و بلندمدت چگونه دست یافتنی است؟ و
۲- وظایف اعضا در این زمینه چیست؟ در حال حاضر جامعه در جایگاه فعلی وظایفی دارد، ارکانش وظایفی دارند، اعضا هم وظایفی دارند، اگر این وظایف تبیین شود همزمان می‌توان این مساله را مطرح کرد که عملکرد سه ساله جامعه در راستای آن اهداف چگونه بوده است، می‌توانیم هم نارساییها و همه نقاط قوت آن را ببینیم. به هر حال، از دیدگاه من به عنوان یک عضو این جامعه، در این سه ساله اقدامات مثبت زیادی انجام شده است. اگر فقط به ضعفها بپردازیم به همکاران و اعضای جامعه، ظلم می‌شود.

صفار:

هدفهای جامعه در اساسنامه آمده است، خلاصه عرض می‌کنم.

۱- تشکل حسابداران رسمی ۲- مشارکت در تدوین استانداردهای حرفه‌ای ۳- بالا بردن دانش تخصصی حسابداران رسمی ۴- حمایت از حقوق حرفه‌ای اعضا، ۵- برقراری ارتباط با مستمر فنی و حرفه‌ای بین اعضا، و ۶- ارتباط با

مؤسسات و تشکل های حرفه ای منطقه و بین المللی و عضویت در آنها. این چیزی است که به عنوان هدف است ضمن این که این هدفها در قالب یک عبارت کلی مطرح شده که تنظیم امور و اعتلای حرفه حسابداری و حسابرسی در کشور است. نکته مهم همین تنظیم امور و اعتلای حرفه حسابداری و حسابرسی است.

پروژه:

نکته ای را همیشه من در همه جلسات گفته ام که ما داریم یک جامعه حرفه ای را شکل می دهیم که تعدادی عضو دارد ولی ابزار کار لازم را ندارد. ابزار کار حرفه ای، نیروی کار است. الان حدود ۱۳۰۰ نفر عضو داریم که از این تعداد ۸۰۰ نفر کار حرفه ای انجام می دهند. اگر اشتباه نکنم اگر مثلاً ۶۰۰ نفر از اینها را تقسیم بر ۳ کنیم باید ۲۰۰ موسسه داشته باشیم. برای این ۲۰۰ موسسه، چیزی حداقل حدود ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۰ کارمند حرفه ای خوب می خواهیم. کارمندی که بتواند جواب نیازهای حرفه ای جامعه را بدهد. تربیت همکاران خوب برای مؤسسات هدف مهمی است و ما دست اندرکاران نیاز به این کار را کاملاً حس می کنیم.

صفا:

تربیت نیروی متخصص موضوع مهمی است، در وظایف سازمان حسابرسی، این موضوع آمده است. البته این به دلیل قانون و زمان تصویب آن است که فکر کردند حسابرسی یعنی سازمان حسابرسی. بنابراین، وظایفی برایش پیش بینی کرده اند که فراتر از سازمان است. مثلاً گفتند تربیت نیرو جزو وظایف سازمان حسابرسی است. فکر می کنم در اساسنامه جدید هم هست. بنابر این، حتماً باید جزو کارهایی باشد که جامعه باید انجام بدهد ولی جایگاه آن مشخص نشده است.

علی مدد:

من اگر بخواهم بر اساس اساسنامه، جمع بندی کنم، تشکل یکی از هدفهاست.

اساسنامه هم درباره تشکل حسابداران حرفه ای گفته و فکر نمی کنم هیچ کس با آن مخالفتی بکند. حالا این که اعضا چه کسانی هستند جای بحث دارد. چیزی که در اساسنامه نیست نظام مند کردن ارائه خدمات است. یعنی خدماتی که به عنوان یک حسابدار حرفه ای می دهیم باید تحت ضوابط معینی باشد و این را جامعه دارد چون نظارت بر ارائه خدمات حرفه ای را دارد و این هم باید یکی از هدفها باشد. بخشی از نظام مند کردن خدمات در محدوده استانداردها تکلیف سازمان حسابرسی است ولی به نظر من تکلیف جامعه هم هست. در اساسنامه به ارتقای کیفیت ارائه خدمات و حفظ منافع اعضا هم توجه شده که کاملاً درست است منافع حرفه ای اعضا هم یکی از هدفهاست که هدف کاملاً درستی است.

پروژه:

من فکر می کنم در جامعه نمی توانیم آن هرمی که توسط شورای عالی جامعه تصویب شده است در کلیه مؤسسات تعمیم دهیم به دلیل اینکه نیروی حرفه ای به اندازه کافی نداریم. خود شورا بعداً با پیش نویس این نظر را تعدیل کرد چون به این مسئله رسیده است که برای هر شریک مسئول در یک موسسه باید ۳ مدیر باشد گفتند که ۲ مدیر نباشد یک مدیر هم باشد کافی است.

به نظر می رسد درد اجتماعی حرفه ای ما را شورا و ارکان جامعه نیز درک کرده اند و این خیلی مهم است یعنی شما نخواهید توانست در این جامعه موفق شوید و به اهداف دست پیدا کنید بدون آن که ابزار آن را داشته باشید.

صفا:

این موضوع پاسخ روشنی دارد و آن این است که مثلاً الان در سازمان حسابرسی ۳۰۰ نفر حسابدار رسمی کار می کنند، همه هم که مدیر و کارمندان کاری برخلاف شئونات و اخلاق حرفه ای هم انجام نمی دهند به خاطر این که سازمان حسابرسی از اقتداری \ll

پروژه: ما داریم
یک جامعه
حرفه ای را
شکل می دهیم که
تعدادی عضو دارد
ولی ابزار کار
لازم را ندارد

برخوردار است. من حسابدار رسمی می‌خواهم الان بیایم با شما کار کنم شما باید آن توانایی را داشته باشید که مرا به عنوان مدیر یا کارمند استخدام کنید. بنابراین حتماً موسسات باید تقویت شوند و بزرگ شوند که بعد بتوانند کادر حسابدار رسمی استخدام کنند ما الان در سازمان حسابرسی ۵ نفر در رده حسابرسی داریم که حسابدار رسمی اند به عنوان حسابرس هم دارند کار می‌کنند. حالا رده‌های بعدی هم که می‌دانید حسابرس ارشد، سرپرست، سرپرست ارشد و مدیر یعنی ۵ رده حرفه‌ای کاملاً متمایز که از نظر سازمان کاملاً متفاوتند به عنوان حسابدار رسمی دارند کار می‌کنند.

تا زمانی که این فرهنگ در موسسات حسابرسی جا نیفتاده است متأسفانه من ترجیح می‌دهم شریک یک موسسه ضعیف باشم ولی مدیر یک موسسه خوب نباشم.

پروژه

البته آن افرادی که خوب فکر می‌کنند این کار را دارند انجام می‌دهند. حداقل تجربه این است که افرادی که توانستند وارد جامعه شوند از شغل خودشان در موسسه دل نکندند ولی وقتی می‌بیند در جامعه جایگاه‌ها طوری است که سلسله مراتب باید طی شود کم کم این موضوع جا می‌افتد. ولی باز هم داریم فکر می‌کنیم، رده‌های دیگر را چه کنیم، مثلاً سرپرست را نمی‌خواهیم عضو جامعه باشد می‌تواند که آدم با تجربه‌ای باشد که آمادگی این را هم داشته باشد که عضو جامعه شود. آمادگی باید تحت نظامی باشد. تا حال آن نظام حاکم نبوده و تا حالا آن نظام مشکل داشته است. درست است که تعریف کرده‌ایم که چند سال سابقه حرفه‌ای باید داشته باشد ولی این نظام کامل نیست باید از همان روز اولی که اینها می‌آیند و شش سال بعد می‌خواهند که وارد جامعه شوند، زیر نظر جامعه فعال باشند و تحت نظر جامعه به آن مدارج بالا برسند ما

خیلی سعی کردیم رتبه بندی را با جامعه هماهنگ کنیم هنوز نتوانستیم. با سازمان نیز خواستیم هماهنگ کنیم نتوانستیم. ولی اگر جامعه بتواند یک چنین طبقه بندی را ایجاد کند. برای مثال، وقتی می‌گوییم حسابرس ارشد، حسابرس ارشد تعریف شده باشد. در حال حاضر تعاریف و برداشتها متفاوت است اگر جامعه این تفکیک را مشخص کند تکلیف همه موسسات و نیز اشخاصی که کار می‌کنند مشخص می‌شود.

علی مدد:

یکی از اهداف جامعه باید این باشد که شکل بندی موسسات حسابرسی را درست کند. دومی نیز ایجاد یک نظام کارآموزی و کارورزی است می‌تواند هدف جامعه باشد که نظام کارآموزی و کارورزی را تدوین کند.

پروژه

من نه از نظر علمی، بلکه از نظر حرفه‌ای مسئله را بیان می‌کنم. یکی از مسائلی که در جامعه است تقسیم بندی‌هایی است که دستگاه‌های مختلف آمدند و نسبت به موسسات حسابرسی انجام داده‌اند. یک دستگاه آمده و براساس سابقه تاریخی یک موسسه آن را تقسیم بندی کرده، یک نفر بر اساس سابقه آشنایی با مدیران آن موسسه، یک دستگاه بر اساس کیفیت مدیران و... که این هماهنگ نیست. ولی اگر جامعه یک نظام تشکیلاتی داشته باشد و در آن نظام تشکیلاتی، مشکل موسسات مشخص شود فکر می‌کنم این درد اجتماعی برطرف شود. می‌بینم که در جوامع دیگر طبقه بندی می‌کنند البته طبقه بندی‌ها، لزوماً طبقه بندی درست نیست مثلاً چهار موسسه بزرگ بر اساس سود یا تعداد شعب طبقه بندی شده‌اند. ولی فکر می‌کنم خیلی چیزهای دیگری نیز هست که می‌تواند طبقه بندی‌ها بر اساس آن انجام شود. فکر می‌کنم اگر جامعه این طبقه بندی را انجام دهد خوب باشد.

آیین نامه موسسات که تصویب شده برخی از این موضوعات در آن پیش بینی شده است از جمله این که موسسات می توانند به صورت اختیاری رده بندی خود را از جامعه بخواهند - یعنی رده بندی پیش بینی شده ولی اختیاری است - ولی اگر موسسه خوبی آمد و رتبه خوبی برای رده بندی کسب کرد بقیه نیز ترغیب می شوند که بیایند. تاثیر اجتماعی آن این است که دیگر یک شرکت بزرگ منطقاً نمی تواند کارش را به یک موسسه کوچک بدهد. بحث حسابدار رسمی بالقوه در همین جهت است که بخصوص کارکنان موسسات حسابرسی تحت یک شبه تشکی قرار بگیرند. درباره این موضوع، ارکان جامعه همگی موافقت اصولی دارند ولی باید اجرایی شود و جزو برنامه های در دست است.

دکتر مدرس:

برای نظام مند کردن خدمات حرفه ای قابل ارائه جامعه چه باید کرد؟ نقش جامعه حسابداران در این فرآیند چیست؟ این نظام مند کردن به چه صورت است؟

علی مند:

استانداردها برای این تدوین می شود که نظام مند شویم. دو دسته استاندارد داریم استاندارد حسابداری و استاندارد حسابرسی. نمی گویم اینها را ضرورتاً جامعه تنظیم کند، ممکن است یک مرجع دولتی تنظیم کند آنچنان که در حال حاضر انجام می شود. اما اعضای جامعه باید آنها را رعایت کند. نظارت بر رعایت اینها نظام مند کردن است. ضمن این که به نظر من جامعه باید در تدوین استانداردها حضور داشته باشد. اگر فرصت باشد عرض می کنم که به هر حال استاندارد باید در جامعه یا جای دیگری وضع شود. اما وضع استانداردها کافی نیست. اطلاع دارید

یک سری پرسش و پاسخ راجع به آنها مطرح می شود. جوامع دیگر حسابداری به سئوالات مربوط به استانداردها جواب رسمی می دهند جامعه هم باید این فرآیند را داشته باشد. راجع به سیستم دادن باید نظمی وجود داشته باشد. مواردی وجود دارد که آقایان کاری را که نمی دانند قبول می کنند. مثلاً برای استقرار سیستم کامپیوتری قرارداد می بندد در حالی که از کامپیوتر هیچ نمی دانند. نظام مند کردن این است که اگر می خواهید خدمات مشاوره ای بدهید باید تخصص لازم وجود داشته باشد. اگر بخواهید خدمات سیستم بدهید شرایطی باید داشته باشید و قسمت بعدی کنترل کیفیت است.

علی مند:

**استانداردها
برای این تدوین
می شود که
نظام مند شویم.**

**دو دسته
استاندارد داریم
استاندارد
حسابداری و
استاندارد
حسابرسی**

پرویز:

آیا این در اهداف تعریف شده است یا نه؟ باید تعریف شود. جامعه باید مصراً درباره این مساله فکر کند. همه ما یک ذهنیت نسبت به جامعه حرفه ای داریم: می گوئیم یک جامعه حرفه ای باید این کارها را بکند. باید بدانیم که قدم به قدم رفتار حرفه ای، چگونه باید باشد از استانداردها چگونه باید استفاده کنیم از کارمان چگونه استفاده کنیم. کنترل کیفیت به چه نحوی باید انجام شود تا تکالیف خود جامعه و اعضای آن مشخص شود.

دکتر مدرس:

با تشکر از آقایان، من به سه نکته اشاره می کنم:

۱- در کمیته تدوین استانداردها، جامعه ۲ نفر نماینده دارد ضمن این که تعداد اعضای کمیته به ۹ نفر افزایش یافته و بورس و صنعت نیز در این کمیته نماینده دارند.

۲- کارگروه فنی و استانداردها، پرسشهای مربوط به استانداردهای مطرح شده را به صورت برگه های پرسش و پاسخ می نویسند و تاکنون ۳۲ پرسش و پاسخ منتشر شده که

۲- کارگروه کنترل کیفیت، بررسی اولیه‌ای را از موسسات عضو جامعه به عمل آورده، امتیازبندی‌هایی را هم انجام داده که امسال قرار است در ادامه این روند کارهای بیشتری انجام شود یعنی کارهای اینچنینی در جامعه شروع شده است.

به نظر من، موضوعات مطرح شده می‌تواند بازتاب نظرات اعضای جامعه باشد و زمینه‌های بحث در آینده را ایجاد نماید. یعنی هر کدام از اینها می‌تواند موضوع یک میزگرد باشد. لزوماً ممکن است به جوابهای قطعی نیز نرسیم.

صفا:

شاید بهتر باشد کارهایی که به نظر آقایان باید در این سه سال می‌شد بررسی کنیم که یک تکلیف معقول برای کارهای آینده جامعه نیز خواهد شد.

پرویز:

به نظر من، کار زیادی انجام شده است، ناشکری نباید کرد، جامعه‌ای می‌خواهد پا بگیرد تجربه بسیار کمی هم، در این مساله داشتیم. دوستانی که آمده اند زحمت کشیده‌اند و این قابل تشکر است. طبیعی است که چون جامعه دارد پا می‌گیرد نقاط ضعف هم دارد بعضی وقتها نقطه ضعفها که مطرح می‌شود سلیقه‌ای است. یعنی ممکن است اتفاقی بیفتد و مطابق سلیقه من نباشد این مورد نباید به عنوان ضعف کلی مطرح شود. بلکه باید در جایی مطرح و تحلیل شود تا مشخص شود واقعیت دارد یا نه.

مثلا من در جلسات دیده ام که دوستان شکایت می‌کنند که چرا کار نداریم یا چرا کار کم داریم. خوب این نقطه ضعف برای آنهاست که کار ندارند و برای کسانی که کار دارند این نقطه ضعف نیست. به نظر من،

جامعه تلاشش را هم کرده اگر چه جزو اهدافش نبوده است. کاریابی نمی‌تواند از اهداف جامعه باشد. فراهم کردن بستر مشکلی ندارد. کاریابی وظیفه جامعه نیست این نقطه ضعفها هست ضمن این که کارهای زیادی هم وجود دارد که معمولا مطرح کردیم و گفته ایم و درخواست کردیم و فکر می‌کنم در این صحبتها چند موردش را هم بیان کردیم. مثل همان مسئله و مشکل نیروی کار برای موسسات که اینها باید درباره اش جدی فکر شود. مسئله‌ای که من خیلی درباره آن اصرار دارم این است که حتما باید در تفکر شورای جدید قرار بگیرد رفاه عمومی است و نه رفاه شخصی. هر چند در این زمینه کارهایی انجام شده است. یک نکته خیلی مهم مساله بازنشستگی است. در تعاریفی که در اساسنامه آمده است برای بازنشستگی اعضای جامعه هیچ فکری نشده است الان برای کار کردن نیروی داریم که رویه کاستن است و الان یک مشکل دیگر این است که نمی‌توانیم با جوانها از لحاظ سطح دانش و فرهنگ و اطلاعات روز رقابت کنیم. یک دوستی به من گفت تا چه وقت شما می‌خواهید به این کار حسابرسی بچسبید. جایی برای ما خالی کنید. ولی چه کنم در جامعه‌ای که من حرکت کردم آن جامعه نظام مند نبود تا وقتی که جامعه حسابداران رسمی تشکیل شد و من هم امکانات بازاریابی خوبی نداشتم. فقط توانستم هزینه‌های زندگی روزمره ام را پوشش دهم. الان اگر از این کار کنار بروم چه باید بکنم. تا این تفکر وجود دارد جا برای جوانها باز نمی‌شود.

عباسی کوپایی:

جامعه در این مدت کارهای زیادی انجام داده و فعالیت‌های زیادی کرده است. در رابطه با همایشها، تشکیل ارکان جامعه، کارگروهها و

عباسی کوپایی:
نظارت باعث خواهد شد که کیفیت ارائه خدمات حرفه‌ای بهتر و از تخلفات احتمالی اعضا جلوگیری شود و جامعه زودتر به هدفهای خود برسد

سایر موارد دیگر. به هر صورت کار زیادی هم وجود دارد که باید انجام داد. یکی از موارد نظارت جامعه بر اعضا است. بسیار مهم است که این نظارت بیشتر شود. مواردی که ما بیرون از اینجا می شنویم که فلان حسابرس، فلان کار را به این صورت قبول کرده و یا فلان حسابرس چنین کاری کرده زیاد خوشایند نیست. نظارت باعث خواهد شد که کیفیت ارائه خدمات حرفه ای بهتر و از تخلفات احتمالی اعضا جلوگیری شود و جامعه زودتر به هدفهای خود برسد.

علی مدد:

جامعه وجود دارد و کار زیادی انجام شده است و در این رابطه که اشکالاتی وجود دارد نیز شکی نیست. اما به گمان من، جامعه موقعی می تواند حرکت مناسب تری داشته باشد که تلاش کند قواعد حاکم بر خودش را اصلاح نماید. البته اصلاً کار ساده ای نیست چون من وقتی بخواهم قواعد حاکم بر خود را تغییر دهم، مراجع دیگری نیز هستند که واضع این قوانین هستند و آدمهایی نیز هستند که سلیق متفاوتی دارند. این اجتناب ناپذیر است. برای این که جامعه ای آینده اش را به شکل منطقی ادامه دهد باید قوانین حاکم بر آن جامعه اصلاح شود. به نظر من، اشکالاتی که هست یکی این است که گرایش دولتی، زیاد است. موارد متعددی را دولت باید تصویب کند، برخی اجتناب ناپذیر است ولی برخی دیگر قابل اجتناب است.

موضوع دیگر، آیین نامه تعیین صلاحیت است. اگر بخواهیم مقررات اصلاح شود، باید در آیین نامه تعیین صلاحیت تا آنجایی که می شود به صلاحیت به عنوان یک مدرک نگاه کرد. دستگاه دولتی حق دارد که اگر کسی بخواهد امتحان حسابدار رسمی بدهد یک مرجع دولتی و یا یک مرجع منتخب دولتی

امتحان بگیرد. بعد که آن آدم مدرک را گرفت و گفته شد که تو در این امتحان قبول شدی حالا می خواهد بیاید عضو این جامعه شود و پروانه اشتغال بگیرد، این با جامعه است. به گمان من، هر کسی امتحان داد و مدرک گرفت معنی آن این نیست که می تواند شاغل شود. اشتغال در حرفه مستلزم این است که جامعه حسابداران رسمی تشخیص دهد و برای وی گواهی صادر کند. همه می توانند حسابدار رسمی شوند ولی اگر خود من در این جامعه بودم برای خودم به عنوان حسابرس گواهی اشتغال صادر نمی کردم. الان در آمریکا امتحان می دهید ولی وقتی می خواهید عضو انجمن حسابداران رسمی آمریکا شوید گواهی اشتغال شمارا انجمن حسابداران رسمی آمریکا می دهد.

صفار:

الان هم همین طور است. پس از پذیرش اولیه، ارتباط اعضای جامعه با هیات تشخیص صلاحیت کاملاً قطع می شود.

علی مدد:

مشکلی که شما در اساسنامه با آن برخورد کردید و در آیین نامه قبلی وجود دارد، این است که دولت فقط نمی گوید که این شخص حسابدار رسمی است بلکه دنبال بقیه مسائل هم هست.

صفار:

مواردی را که می گویند با وجود اساسنامه جدید هم منتفی شده است. در آن زمانی که آن آیین نامه طراحی شده مقررات دیگری نبوده، چیزهایی را پیش بینی کرده و بعد که اساسنامه آمده گفته هر چیزی که مغایر با اساسنامه است نافذ نیست. بنابراین الان فقط وظیفه اصلی هیات، همان آزمون است.

پرویز:

آقای علی مدد می گویند کسی می تواند لزوماً کار حرفه ای بکند که از جامعه گواهی اشتغال

علی مدد:

جامعه وجود دارد و کار زیادی انجام شده است و در این رابطه که اشکالاتی وجود دارد نیز شکی نیست

بگیرد یعنی بنده ممکن است عضو جامعه باشم و شما تشخیص دهید که بنده نمی توانم گواهی اشتغال بگیرم.

علی مدد:

الزامات موجود برای حسابرس مستقل، ضرورتاً برای کسی که سیستم می دهد حاکم نیست. مثلاً گفته اید هیچ جوری شاغل نباشد خوب کسی که سیستم می دهد می تواند یک جای دیگر هم شاغل باشد. برای کسی که حسابرسی می کند شرایط بسیار سنگینی باید طراحی شود. به گمان من یک استاد تمام وقت دانشگاه در هیچ حالتی نمی تواند حسابرس باشد، برای این که مخالف اخلاق حرفه ای است که کسی تمام وقت در یک جا اشتغال دارد نامش در جای دیگری مورد استفاده قرار گیرد مگر این که پاره وقت باشد. یک عضو غیرموظف غیر مدیر نمی تواند حسابرس باشد نتیجتاً هم اساسنامه جامعه و هم آیین نامه هیات تشخیص صلاحیت نیازمند اصلاح اساسی است.

قسمت بعدی وضعیت موجود که انتقاد بر آن وارد است اتکا به دولت است در انتخابات اخیر شورای عالی، شما همه اعضا را جمع کردید ولی به شورای قبلی نگفتید که بیاید و گزارش بدهید یعنی در واقع دولت اداره کننده جلسه شما بود.

صفار:

دو نکته مطرح فرمودید: اول، برگزاری مجمع عمومی است که اداره آن بیشتر تشریفاتی به نظر می رسد. یک موضوع ارائه گزارش توسط شورا است. این موضوع مکرراً در شورای عالی بحث شده و درست و غلط آن را فعلاً بحث نمی کنم. اما گفته شد که ارائه گزارش به مجمع در تاریخ انتخابات شورای عالی دو تاثیر دارد که ما باید از هر دوی اینها پرهیز کنیم. اگر چیزهایی گفته شود که یک

عده فکر کنند مسائل خوبی است، تبلیغی است برای افرادی که از شورای قبلی کاندیدا شده اند. به همین دلیل، قرار شد بعد از انتخابات برای گزارش فعالیتها جلسه ای داشته باشیم.

علی مدد:

فرض کنید عملکرد جامعه خیلی خوب بوده این تبلیغی برای آن اعضای شورایی است که دوباره می خواهند کاندیدا شوند و این شرایط برای ۸۲ نفر کاندیدا فراهم نشده، خوب کاندیداها هم می توانستند بگویند اگر ما انتخاب شویم این کارها را می کنیم.

پروژ:

من فکر می کنم ارائه گزارش لازم بوده و هست ولی من فکر می کنم فرمایش آقای مسافر درست باشد چون مثلاً من اگر می رفتم و می خواستم این گزارش را ارائه دهم شاید همه اسم مرا می نوشتند. در جامعه این مساله خیلی حساسیت ایجاد خواهد کرد.

علی مدد:

در حال حاضر، به مجمع عمومی اعضا توجه لازم نمی شود به عبارتی بازتاب این است که این مجموعه به قواعد حاکم بر مجمع عمومی اعضا اتکا ندارد و فقط به انتخابات شورا توجه دارد.

پروژ:

این بحث شما مستلزم این است که شورا به مجمع گزارش ارائه دهد. مجمع گزارش را تایید یا تکذیب یا انتقاد کند - اساسنامه اصلاً چنین حقی به مجمع نداده است.

علی مدد:

اساسنامه باید این گونه باشد که اگر مجمعی گزارش شورای عالی را تایید نکرد آن شورای عالی خلع است.

عملکرد شورا یا مورد تایید اعضا هست یا نیست. اگر نیست باید شورای دیگری انتخاب

شود. بحث من این است که یک وقت مجموعه خودش را به دولت پاسخگو می‌داند یک وقت به اعضا. قواعد حاکم بر جامعه حسابداران رسمی در حال حاضر به اعضا پاسخگو نمی‌باشد این مدل باید در مجموعه اصلاح شود اگر قبول داریم که اینجا NGO است، NGO مدیریتش و ارکانش پاسخگویی جمع است.

عباسی کوپایی:

از آقای علی مدد یک سوال دارم. در مجمع عمومی شرکتها، موضوعاتی که مطرح می‌شود یکی تصویب صورتهای مالی است و دیگری عملکرد شرکت است. در اینجا صورتهای مالی که جامعه دارد بعید می‌دانم چیزی باشد که بخواهد تصویب شود به هر جهت حق عضویتی گرفته شده و هزینه شده است و از طرف هیات عالی نظارت هم مورد رسیدگی و اظهار نظر قرار می‌گیرد. ولی عملکرد شورا جای سوال دارد، عملکرد شورا را به چه صورت می‌توانیم تصویب کنیم.

پرویز:

من بحث دارم. در حال حاضر طبق اساسنامه، شورا صورتهای مالی را تصویب می‌کند، هیات مدیره در حقیقت ارائه کننده و شورا تصویب کننده است در این رابطه شورا جانشین اعضا می‌باشد و اشکالی ندارد ولی به هر جهت شورا باید به چه کسی پاسخگو باشد. شورا منتخب گروهی است برای یک دوره سه ساله. آیا باید به آن گروه پاسخگو باشد یا نه، این مسئله را حل نکردیم شورا به هیچ کس پاسخگو نیست.

علی مدد:

به نظر من این اساسنامه ایراد دارد. فکر حاکم بر اساسنامه ایراد دارد. شما ببینید ۱۳ مورد است که باید به وزیر امور اقتصادی و دارایی پاسخگو باشد، جاهایی هست که نظارت و حاکمیت دولت است که ضرورت

دارد. آنجایی که حاکمیت و نظارت دولتی نیست چرا دولت مداخله کند؟

صفار:

در مورد مجمع و اهمیت آن تغییراتی در پیش نویس اساسنامه انجام شد که گویا دوستان مطلع هستند. پس از حدود یک سال بحث بالاخره به این جمع بندی رسید که: ۱- در اساسنامه موجود چیزی به اسم مجمع وجود نداشته که در اساسنامه پیشنهادی آمده است، ۲- قبلاً گفته شده شورای عالی بالاترین رکن جامعه است الان گفته شده که مجمع عمومی بالاترین رکن جامعه است ۲- مجمع عمومی به صورت سالانه تشکیل خواهد شد و یکی از وظایف مهم آن تصویب گزارش سالانه شورا است، و ۴- عدم تصویب گزارش شورا به منزله عدم ارائه رای اعتماد به شورا است و نتیجه آن، انتخابات زودتر از موعد شورای عالی است.

پرویز:

سوالی که دکتر مدرس مطرح کردند این بوده که ما چه کنیم. من همیشه اعتقاد دارم که شما بهتر از ما و زودتر از ما باید فکر کنید و حرفهای ما را باید بشنوید. وقتی حرفهای ما را شنیدید ممکن است یک گوشه‌ای از آن مورد استفاده قرار بگیرد. بحثی که اینجا می‌شود برای این است که مثلاً نظام مندی: می‌دانم چقدر سعی شده و چه معضلاتی برای نظارت بوده و فعلاً گفته ایم از کجا شروع کنیم و چه کار باید بکنیم که کلنگ آن خورده باشد به عنوان یک کار انجام شده بسیار مورد ستایش است در موارد دیگر هم هست به هر حال ممکن است که شما با بخشی مخالف باشید ممکن است من با بخشی از آن مخالف باشم.

احیاناً اگر این مطالب اینجا مطرح می‌شود بدین معنی نیست که کار نشده یا فکر نشده

پرویز در حال

حاضر طبق

اساسنامه، شورا

صورتهای مالی را

تصویب می‌کند،

هیات مدیره در

حقیقت

ارائه‌کننده و

شورا تصویب

کننده است

قبلاً زحمت کشیده نشده و شما انتقادات را بیشتر از این مجموعه میزگرد شنیده اید و بیشتر از این به آن واقف هستید ولی یکی از بحث‌های دولتی بودن، که خیلی نگران آن هستیم اشکال هم نمی‌گیریم این است که ما نسبت به جابجایی مسئولین دولتی مواضعمان فرق می‌کند.

دکتر مدرس:

جمع بندی صحبتها

با تشکر از آقایان و با توجه به محدودیت زمانی، درخواست می‌کنم دیدگاه خود را نسبت به آینده جامعه حسابداران رسمی با تاکید بر راهبرد جامعه (استراتژی جامعه) یعنی آینده پیش روی جامعه حسابداران رسمی مطرح بفرمایید.

علی مدد:

به نظر می‌رسد اعضای جدید شورای عالی جامعه، نقطه نظرهای کاملاً متفاوتی دارند لااقل با مطالبی که در روزنامه‌ها نوشته شده می‌بینم که مجموعه واحدی نیست. این مجموعه موقعی می‌تواند موفق باشد که وحدتی را در کثرت به وجود آورند یعنی اندیشه‌های متفاوت بتوانند در یک سری نقاط توافق کنند. ضمن حفظ اختلاف در نقاط دیگر. اگر این کار را نکنند جامعه حسابداران رسمی با مشکل جدی مواجه خواهد شد راجع به درستی و نادرستی نظرات بحثی نمی‌کنیم ولی آنهایی که اعلام نظر کردند اختلاف بسیار زیادی داشتند و نظرات کاملاً متفاوت بود. اندیشه‌های مختلفی راجع به جامعه وجود دارد. خیلی اهمیت دارد که در نقاط مشترک به توافق برسند اگر در مهمترین رکن جامعه به دنبال اختلافات باشند با مشکل مواجه می‌شویم.

عباسی کویایی:

این نکته مهمی بود که آقای علی مدد بیان

کردند و واقعاً انعکاسی که در خارج جامعه داشته بسیار بد بوده است و به خصوص این که دوستان اکثراً در شورای جامعه بوده‌اند پس بنابراین این وحدت باید ایجاد شود تا جامعه به نتایج خوبی برسد. با فعالیت و همکاری اعضا می‌توانیم در آینده موفق باشیم.

پرویز:

من با مطالب گفته شده موافقم ولی به خاطر تجربه خودم به یک نکته اشاره می‌کنم. حرکتی که جامعه حسابداران دارد حرکت خوبی است و حرکت رو به جلو است. جامعه کم کم دارد مفهوم حسابرسی را درک می‌کند کم کم کسانی که نیاز به مسئله حسابرسی دارند و فرهنگ آن را هم دارند، می‌پذیرند. الان پذیرفته‌اند باید حسابرس داشته باشند، پذیرفته‌اند که حسابرس احترام خودش را دارد، انتظاراتی که از حسابرس دارند معقول تر شده‌اند در کل جامعه ولی برای یک عده این اتفاق افتاده. کم کم دارند از کار حسابرسی استقبال می‌کنند. تاثیر کاملاً محسوس است ضمن این که حساب‌رسان نیز فرهنگ حسابرسی را دارند و احترام متقابل به هم را درک می‌کنند. توجه به کارکنان را معنا می‌کنند. نظارت محدودی که توسط جامعه شد حداقل این توجه را به حساب‌رسان داد که حالا زیر ذره‌بین هستند. از یک طرف دیگر، وسیله‌ای برای حسابرس‌ها شد که در مقابل صاحبکارها که انتظارات ناموجه دارند بگویند که ما زیر نظر هستیم. به نظر می‌رسد که اگر ما خودمان به کژراهه نرویم. اگر آن نسبت‌هایی که مطرح است از جامعه حذف شود و وحدت را در کثرت بدست آوریم، بتوانیم خودمان را قانع کنیم که ما هم مسئولیتی در قبال جامعه داریم منیت‌ها را کنار بگذاریم، زیاده خواهیمان را کنار بگذاریم

و نیز مقام خواهی را و حضور خود را در جامعه معنا کنیم من احساس می‌کنم احترام‌ها بیش از پیش خواهد شد.

در حال حاضر به یک نقطه حساس رسیده‌ایم و تصمیم‌گیری‌هایمان به همان اندازه باید حساس باشد. خودمان به خودمان توجه کنیم به جامعه توجه کنیم و اگر احترامی داریم در جامعه این احترام را زیاد کنیم و کم کم این تفکر را که یک حسابرس به مسائل اشخاص خاص در جامعه و منافع آنها توجه می‌کند را از ذهن جامعه خارج کنیم و این نخواهد شد مگر این که اول از بالای هرم، خود را اصلاح کنیم و به دیگران هم یاد بدهیم که هر چه قدر بیشتر به این نکات توجه کنند پایدارترند. دیگر سراغ کارهای دیگر نمی‌روند همین کار حسابرسی را انجام می‌دهند.

صفا:

به نظر می‌رسد وضعیت جامعه جدا از وضعیت کلی کشور نیست، الان برخی از مشکلات ما به دلیل وضعیت عمومی کشور است جایی من عرض کردم که بعد از چند سال که از قانون تجارت گذشته است و هدف اصلی آن شرکت داری و توسعه شرکت‌ها بوده، عملاً موفق نبوده یعنی الان تجارت غیرشرکتی ظاهراً بیشتر از شرکت داری در جامعه وجود دارد و هیچ نظارت مالی بر آن نیست یعنی آن چیزی که قانونگذار به خاطر آن آمده این قانون را وضع کرده‌اند ابتر مانده است. البته در بحث جامعه، تجارت‌های در قالب شخصیت‌های حقوقی هم پیش بینی شده ولی حقیقت این است که ما زیاد نمی‌توانیم داخل این قضیه شویم. چون در اولین قدم، نظام گزارشگری مدون ندارند اصلاً نمی‌دانیم وقتی یک نفر می‌گوید من تاجر، چه جور باید گزارش بدهد، هیچ چیز زیادی در ارتباط با آنها نداریم.

صفا: اعتقاد

قلبی من این است
که یک استاد خوب
دانشگاه باید
حسابدار رسمی
باشد. یک
حسابدار خوب باید
حسابدار رسمی
باشد

این موضوع ایجاب می‌کند که جامعه حسابداران رسمی ایران خودش را درگیر مسائل کلی کشور بکند این کار بسیار سختی است ولی فکر می‌کنم مستقل از این موضوع، شاید داستان به آن سمتی که ما می‌خواهیم پیش نرود. این بخش عمده‌ای است شاید کلید اصلی مشکلات جامعه است که کل نظام اقتصادی به درستی شکل بگیرد. در رابطه با خود جامعه هم به نظر می‌رسد باید بدون این که جلوی کیفیت کار گرفته شود گستره حسابدار رسمی افزایش پیدا کند. اعتقاد قلبی من این است که یک استاد خوب دانشگاه باید حسابدار رسمی باشد. یک حسابدار خوب باید حسابدار رسمی باشد. این فکر ساز و کارهایی می‌خواهد. در آینده باید روی آن فکر کنیم که عملی شود. ممکن است در مقررات فعلی نیز این عملی باشد ولی نیاز به همفکری و همدلی دارد در مورد رفتار حرفه‌ای به نظر می‌رسد اساساً وقتی تخصص سطح بالا مطرح باشد رفتار حرفه‌ای اهمیت می‌یابد. یعنی به نظر می‌رسد نه الان نه در بلندمدت، استفاده‌کنندگان ممکن است نتوانند تشخیص دهند که بنده یا جنابعالی کدام در مورد حسابداری بیشتر می‌دانیم باید یک جور به دانسته‌های دیگران اعتماد کنیم همان طور که به یک پزشک اتکا می‌کنیم و همانطور که به یک وکیل، هر چه بحث تخصصی بیشتر باشد بحث اخلاق حرفه‌ای بیشتر مطرح می‌شود و این از نکات اساسی است که روی آن باید کار فرهنگی شود و باید بیشتر به جوانترها امیدوار باشیم.

دکتر مدریس

با تشکر از عزیزان که وقت خود را در اختیار فصلنامه حسابدار رسمی قرار دادند امیدوارم دیدگاه‌های مطرح شده سرآغاز راه‌حلهایی باشد که جامعه حرفه‌ای ما به آنها نیاز دارد.

